

مشاور اقتصادی روحانی در توجیه آمارهای عجیب دولت:

رشد اقتصادی حس نمی‌شود چون مردم درآمد ندارند

صفحه ۲

چهارشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۵ ■ ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۲۸ ■ ۲۵ ژانویه ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۰۸۲ ■ صفحه ۱۶۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

خسته شده‌اند

پاسخ محمداقرب نوبخت به این سوال که چرا برخی اعضای کابینه از جمله وزرای اقتصاد و بهداشت گفته‌اند در دولت آینده نخواهند بود

صفحه ۲

Vol.09 ■ No.2083 ■ Wed.Jan.25, 2017 ■ ISSN:2008-2886

۱۱۷۸سال ۴۸روز گذشت

تیتراهای امروز

اصلاح طلبان می گویند در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ در کنار حسن روحانی کاندیدای گفتمانی هم خواهند داشت

یک کاندیدای دیگر

صفحه ۲

مذاکرات آستانه با پذیرش آتش‌بس پایان یافت

ادامه در ژنو

صفحه ۲

افشایگری رسانه‌های آمریکایی از رفت و آمدهای موسویان به کاخ سفید در زمان مذاکرات هسته‌ای

مشورت به دشمن؟

صفحه ۲

میزگرد «وطن امروز» پیرامون چالش‌های نقد در سببمنای ایران

جشنواره، لابی

نقدفیلم

صفحه ۱۲

ترامپ فرمان خروج از پیمان ترانس پاسیفیک را امضا کرد

طلاق آمریکا از اقتصاد جهانی

صفحه ۱۵

نگاه

فضای مجازی

و بحران بی‌اعتباری منبع

- میکائیل دباتی

۱- دوران حاضر را از ملقب به عصر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های تعاملی کرده‌اند ضمن داشتن برخی فواید از جمله گرایش به سمت شفافیت، تکثر ارائه دیدگاه‌ها و راه‌افزادندان دیالوگ در جامعه- هرچند ناقص و نارسا- باید عصری بی‌پایه و اساس نیز دانست؛ عصری که در آن منبع، اعتبار خود را از دست می‌دهد.

۲- خبر را ماده اولیه در روزنامه‌نگاری می‌دانند که محور اصلی مطالب مطبوعات را تشکیل می‌دهد. در واقع «خبرنویسی» مهم‌ترین بخش روزنامه‌نگاری است و برای اینکه خبر یک رویداد به نحوی مطلوب و چشمگیر تهیه شود، می‌توان آن را به سبک‌های مختلفی تنظیم کرد اما آنچه اهمیت دارد این است که در تدوین خبر عناصر شگانه خبری که عبارت‌اند از: «که (چه کسی)؟ (چه کسی (چه وقت)؟ کجا (در چه مکانی)؟ چه (چه موضوعی)؟ چرا (به چه دلیل)؟ چگونه (شرح واقعه)؟» لحاظ شود. همه اینها و البته همه ارزش‌های هفتگانه خبر که شامل دربرگیری، شهرت، برخورد، مجاورت، فراوانی، شگفتی و تازگی است زمانی قابل اهمیت و جدی گرفتن است که «خبر معتبر» باشد و به نحوی اعتبار منبع (Source Credibility) خبر است که خبر را قابل اعتنا می‌کند.

۳- اعتبار منبع مفهومی بنیادی در ارتباطات است که شاید نتوان قدمت آن را با عمر ارتباط برابر دانست. معتبر بودن منبع در واقع پیش‌شرط لازم برای برقراری یک ارتباط کامل بین فرستنده پیام و مخاطب آن است. اعتبار منبع را می‌توان نقطه تلاقی مفاهیم ارتباطی نیز تلقی کرد، زیرا بسیاری از این مفاهیم نظیر گزینشگری اخبار، عینیت، هماهنگی و ناهماهنگی شناختی، مسؤولیت اجتماعی روزنامه‌نگار، ارزش‌های خبری و... بدون این پیش‌فرض که منبعی معتبر در روند ارتباط وجود داشته یا دارد، معنای وجودی خود را از دست می‌دهند. گذشته از آن، اعتبار منبع را می‌توان مفهومی چند بعدی دانست که مرزهای مشترکی نیز با روانشناسی دارد. در مبحث «تغییر گرایش‌ها و متقاعدسازی»، منبع پیام یکی از عوامل مهم در تغییر گرایش و تأثیر آن در تغییر گرایش مخاطب است که از زوایای مختلف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۵

کاش داعشی‌های داخلی این را هم از مادر داعش آموخته بودند!

- مرتضی قاسمی

روزنه

آمریکا پیام خاصی را برای جامعه آمریکایی به همراه داشت، با برگزاری مراسم تحلیفش به طور رسمی رئیس‌جمهور ایالات متحده شد و دوران اوباما هم بالاخره به پایان رسید. اوباما در زمان حکومتش سخت‌ترین تحریم‌ها را علیه ملت ایران اعمال کرد و حتی برای خصومت علیه ایرانیان روزهای پایانی مسؤولیتش را هم از دست نداد و لگد آخر را هم در آخرین روز کاری‌اش در کاخ سفید با تمدید «فرمان اجرایی برقراری وضعیت اضطراری ملی درباره ایران» زد.

افزون بر این، ایجاد داعش و حمایت از اقدامات تروریستی در منطقه غرب آسیا از جمله اقدامات برجسته دیگر دوران اوباما بود. یکی از مأموریت‌های اصلی که دولت اوباما برای خود تعیین کرده بود، ساقط کردن سوریه و دولت این کشور بود به طوری که اوباما و همپیمانانش برای ساقط کردن رئیس‌جمهور سوریه برای هزینه‌های فراوانی کردند. آنها البته ۶ سال قبل که تروریست‌ها را به جان مردم سوریه انداخته بودند، با قاطعیت می‌گفتند بشمار اسد بیشتر از چندماه دیگر دوام نخواهد آورد اما آنچه در واقعیت رخ داد این بود که اوباما رفت در حالی که اسد همچنان هست!

هیلازی کلینتون، وزیر خارجه دولت اول اوباما در کتاب خود با عنوان «گزینه‌های دشوار» پیرامون ایجاد داعش در منطقه توسط آمریکا آورده است: «ما وارد جنگ عراق، لیبی و سوریه شدیم و همه چیز بر وفق مراد و بسیار خوب بود اما ناگهان انقلاب مصر در ۳۰ ژوئن رخ داد و همه چیز ظرف ۷۲ ساعت تغییر کرد. من به ۱۱۲ کشور جهان سفر کرده بودم و با برخی دوستان این توافق حاصل شد تا به محض اعلام تأسیس داعش این گروه به رسمیت شناخته شود اما ناگهان همه چیز فروپاشید. توافق شده بود دولت اسلامی (داعش) در روز ۲۰۱۳/۷/۵ اعلام شود و ما منتظر اعلام تأسیس آن بودیم تا ما و اروپا هرچه سریع‌تر آن را به رسمیت بشناسیم.» وی همچنین در جایی دیگر نیز به طور علنی از اقدامات دولت آمریکا برای ایجاد داعش در منطقه و حمایت از این گروهک تروریستی سخن گفته بود.

با این همه اما «مادر داعش» در مراسم تحلیف ترامپ درس معناداری به داعشی‌های داخلی داد و نشان داد او داعش و ترور و آشوب از مادر داعش آموخته بودند!

دیدگاه

برخی وقایع به‌گونه‌ای هستند که حتی اگر کسانی به دنبال به فراموشی سپردن آنها باشند، باز هم فراموش نمی‌شوند و همواره در اذهان جامعه باقی می‌مانند و برای همیشه در تاریخ ثبت می‌شوند. اما باز هم در مقابل پیروزی ترامپ تعظیم و در مراسم تحلیف او شرکت کرد.

کلینتون در زمان ورود به مراسم تحلیف ترامپ، توثیق کرده بود: «من امروز اینجا هستم تا به دموکراسی ادای احترام کنم. هیچ‌وقت اعتقاد به کشورم و آینده‌اش را از دست نخواهم داد.» وی با وجود آنکه در آرای عمومی حدود ۲ میلیون رأی بیشتر از ترامپ کسب کرده بود، بازهم - به قول خودش- به دموکراسی احترام گذاشت. اما زمانی نه‌چندان دور و در جریان فتنه سال ۸۸، رفتاری او در ایران در واکنش به شکست در انتخابات، مسیر دیگری را پیشه کردند و به‌جای پذیرفتن قانون و تعظیم در برابر رأی مردم، انتقام از مردم را در دستور کار قرار دادند و به رأی آنها لگد زدند!

فتنه‌گران در انتخابات سال ۸۸ وقتی با «نه» مردم روبه‌رو شدند با حمایت و تشویق همین خانم کلینتون، سعی کردند از مردم انتقام بگیرند و ضربات سهمگینی به کشور وارد کردند. ۸ ماه مملکت را به آشوب کشیدند و تمام دشمنان قسم خورده مردم و انقلاب را متحد کردند تا عقده‌های چند ساله‌شان را علیه مردم ایران خالی کنند. همان‌ها بودند که برای بی‌نتیجه نماندن جنایت‌های‌شان در تهران، حتی تا واشنگتن هم رفتند و این بار درخواست تحریم ایران را از آمریکا گدایی کردند: «ما به تحریم‌های اقتصادی که فشار را بر ایران زیادتر می‌کند محتاجیم، ما می‌خواهیم اوباما بگوید که او پشتیبان دموکراسی است.»

کلینتون هرچند مسؤول اصلی اعمال تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده علیه ایرانیان بوده و او هرچند به مادر داعش معروف است اما باید به دموکراسی احترام گذاشت.» کاش دیگران می‌خواهند نه برای آمریکا. ای کاش آنها که چندماه قبل ذوق‌زده از نظرسنجی‌های انتخابات آمریکا، پیش از موعد، پیروزی کلینتون را قطعی دانستند و آرزوی‌شان را تیتیر یک روزنامه‌های‌شان کرده بودند، این را هم از معشوقه سیاسی‌شان می‌آموختند که «باید به دموکراسی احترام گذاشت.» کاش داعشی‌های داخلی احترام به دموکراسی را هم از مادر داعش آموخته بودند!

رجوع سردمدار قانون‌شکنان به قانون!

- علی‌اکبر عباسی

همچنین محسنی‌از‌های، سخنگوی قوه‌قضائیه نیز از ثبت این شکایت خسر داد و گفت: «بن شکایت ثبت شده و در دادسرا تحقیق می‌شود. هر فردی اگر تظلم‌خواهی کند، حتما در دادگستری ثبت می‌شود.» اینکه محتوای این شکایت فتنه سال ۸۸ و جنایت تاریخی‌ای که عده‌ای جاهطلب در حق مردم ایران روا داشتند و البته از طرفی بصیرت و موقع‌شناسی مثال‌زدنی و حماسه‌آفرینی مردم، از جمله رخدادهایی است که از اذهان جامعه پاک نخواهد شد و حالا دیگر در تاریخ ایران ثبت شده است.

در طول احوالات اخیر، افرادی که به هر نحوی دست‌شان به جنایت سال ۸۸ آلوده بوده و در آن برهه حساس به مردم ظلم کردند و رأی آنها را نادیده گرفتند، حالا به هر دری می‌زنند تا حوادث مربوط به فتنه به فراموشی سپرده شود و آنها حتی ناراضیاتی‌شان از بیان و یادآوری اغتشاشات سال ۸۸ را هم گستاخانه بروز می‌دهند! مکرر شنیده‌ایم که می‌گویند: «ببفکر فتنه از سوی اهالی آن بیان می‌شود. اینکه چرا کسانی از بیان فتنه و یادآوری آنچه سال ۸۸ در حق مردم روا داشتند، تا این میزان واهمه دارند، موضوع این سطور نیست و تبیین آن فرصتی دیگر را می‌طلبد.

اما نکته قابل توجه این است که ماهیت حوادث سال ۸۸ و ظلم بزرگی که در حق مردم صورت گرفت به‌گونه‌ای است که به راحتی فراموش شدنی نیست و زنده ماندن آن فراتر از نوشتن و گفتن و بازخوانی آن در رسانه‌هاست. به عنوان مثال حتی زمانی هم که رسانه‌های انقلابی نخواهند از جنایت‌های آن روزها بگویند، انگار خود اهالی فتنه کاری می‌کنند که خدیه‌خود ظلم‌هایشان در سال ۸۸ یادآوری شود. آخرین نمونه آن هم مربوط می‌شود به شکایت رئیس دولت اصلاحات از سردار نقدی!

چند روز قبل وکیل رئیس دولت اصلاحات از شکایت وی از سردار نقدی خبر داد. وی درباره موضوع این شکایت گفت: «سردار نقدی چندی پیش در مصاحبه‌ای با روزنامه شرق ادعا می‌کند آقای خاتمی از پادشاه عربستان برای کارهای سیاسی خود پول گرفته است. قریب به ۲ هفته پیش یک شکایت کفبری با عنوان نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی علیه سردار نقدی در شعبه ۴ بازپرسی دادسرای رسانه ثبت کردیم.»

ادامه در صفحه ۵

کاش دموکراسی خسته‌ایم؟

صفحه ۱۶

یادداشت امروز

افول مطلق یا بازسازی؟

دموکراسی بازی آمریکایی

- مجتبی اصغری

«دموکراسی» به معنای حکومت مردم بسر مردم، از مهم‌ترین ارزش‌های «آمریکایی» است که به قول خود آمریکایی‌ها برپاداری آن در جهان برعهده آنها قرار گرفته است! ایالات متحده با اتکا بر ساختار سیاسی خود، از دوران ابرقدرتی تاکنون که در سراسرشیبی افول قدرت با بحران ساختاری دست و پنجه نرم می‌کند، به حکومت‌های جوامع بسیاری با همین عنوان تاخته است. مهم‌ترین برجسیی که آمریکایی‌ها را در امر مهم دخالت در نظامات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سایر جوامع یاری می‌کرد، تمسک به ارزش‌هایی بود که از بعد پیروزی در جنگ دوم جهانی تحت عنوان «نظم نوین» با زور اسلحه و رد چکمه هم که شده به سایرین تحمیل شد. سپس به قول مسا ایرانی‌ها «دموکراسی» برای آمریکا اینقدر مهم است که برای حفظ آن مطابق تعاریف و اصول متغیر خود در قاره‌ها و کشورهای مختلف «خون» داد‌اند و «خون» ریخته‌اند!

- رؤیای نخ‌نمای آمریکایی!

دموکراسی چارچوبی است که بر مبنای انتخابات به فرد یا افرادی این اجازه را می‌دهد که ساختار «قدرت» را برپا کنند. پس اکنون که گروهی نسبتا قابل توجه از شهروندان ایالات متحده با تابلوهای مختلف پس از برگزاری انتخابات، به رئیس‌جمهور منتخب این کشور حمله می‌کنند، در حقیقت به «ساختار قدرت» و «ارزش‌های بنیادین» آمریکای متحد و صاحب قدرت حمله کرده‌اند، چرا که تضعیف ساختار قدرت برآمده از دموکراسی، در حقیقت خدشه وارد کردن به «حاکمیت» و به دنبال آن سایر ارزش‌ها از جمله «آزادی» و «امنیت» است.

«جین شارب» تئورسین و فیلسوف بزرگ آمریکایی که سال‌هاست برای برپایی دموکراسی مطابق استانداردهای چندگانه ایالات متحده در سایر کشورهای هدف، راهکارهای مبارزه نرم یا «خشونت پرهیز» به قول خودش و «یک مقدار خشن» به تعبیر ما را دیکته می‌کند، احتمالا امروز از آنچه آمریکا گرفتارش شده حسابی سر درگم است. تقریبا تمام آنچه وی در کتاب‌هایش درباره حرکت مردم برای ایجاد تغییر ساختار قدرت از «ویکتائوری» به «دموکراسی» به رشته تحریر درآورد امروز در آمریکا روی پرده رفته است! با این تفاوت که همانطور که آمریکایی‌ها دموکراسی را طبق دیپلماسی چندگانه پرودرغ خود تحلیل کرده و در هر کجا که حاکمان را نمی‌پسندیدند «ترور» می‌کردند، در آمریکای امروز نیز فرد برآمده از «انتخابات» هدف قرار گرفته است. به این ترتیب ساختار قدرت قوه مجریه آمریکا با سر باز زدن مردم از پذیرش قدرت ترامپ، مطابق با سنسخته عالی جین شارب، تضعیف شده و دست کم در اوقاتی آثار شسیم و بی‌نظمی جایگزین دموکراسی شده است.

- همه باز یگران صحنه

قیام علیه ترامپ رسما توسط این گروه‌ها حمایت می‌شود:

۱- سنم‌های تحت مدیریت جورج سوروس
۲- سلبریتی‌های هالیوودی که همچون موم همواره در دست مدیران برنامه دیپلماسی عمومی آمریکا بوده‌اند
۳- جنبش‌های زنانه مشهور به «صورتی» و «تارنجی» دیویدر اکفلر
۴- سیاهان و رنگین‌پوستان و اقلیت‌های جنسی
۵- مسلمانان ملتزم به «اسلام آمریکایی»
۶- دستگاه پستی تحت سلطه لیبرال- سرمایه‌داری همراه با اتئیس‌های بی‌خدا!
لیست آشناسنای است، نه؟ آشناست چون در همه شورش‌هایی که از دهه‌های پایانی قرن بیستم تاکنون به نام «قلاب‌های رنگی دموکراسی‌خواه» در جای جای جهان با مدیریت آمریکایی‌ها رخ داده از یک جزوه مشترک استفاده شده است. اما این‌بار باغیان دموکراسی آمریکایی دست‌بنیان انقلاب‌های خشونت‌پرهیز جین شاربیه را در خاک ایالات نه چندان متحده فشرده‌اند! در حقیقت تمام ابزارهایی که آمریکا در جای جای جهان برای ضربه زدن به حکومت‌های مردمی با تزریق پول و اعزام مدیران میانی و تغذیه و حمایت سیاسی از بیرون آفرید، اکنون در قیام علیه ترامپ مشارکت دارند. اما چرا آمریکا دچار چنین وضعیتی شده است؟

ادامه در صفحه ۵